



چهره پیامبر اسلام در انجیل

پرسشهایی پیرامون فارقلیط

و.. ومبشراً برسول يأتي من بعدي اسمه احمد فلما جائهم بالبينات

قالوا هذا سحر مبين . . .

. . . بشارت دهنده ام به پیامبری که پس از من می آید ، و نام او احمد ، است ؛ هنگامی که وی با دلایل و معجزات به سوی آنها آمد ، گفتند : این جادوی آشکار است .

* * *

دلائل و قرائن زیادی روشن ساخت که منظور از فارقلیط در آیات انجیل که حضرت مسیح از آمدن او بشارت داده است ، پیامبر موعود جهانیان است ، و هرگز نمی توان آنرا به « روح القدس » همانطور که مفسران انجیل مدعی هستند تفسیر نمود .

اخيراً یکی از نشریات مسیحی پرسشهایی را به صورت اعتراض و انتقاد از نظر به کسانی که فارقلیط را به پیامبر موعود تفسیر کرده اند ، مطرح نموده است ؛ در صورتی که محققان اسلامی از سالیان درازی پیش ؛ به این پرسشها پاسخهای قطعی گفته اند ولی مبلغان مسیحی حالا به فکر زنده کردن آن افتاده اند .

مرحوم فخرالاسلام در کتاب ارزشمند خود « انیس الاعلام » (۱) به تمام این پرسشها پاسخ گفته و این کتاب ۷۰ سال پیش در تهران چاپ شده است اینک ما این سوالات را يك يك طرح نموده و به آن پاسخ میدهیم :

پرسش اول

: حضرت مسیح صریحاً میفرماید : پارقلیط روح راستی است و این آیه نمی تواند در مروط

به حضرت محمد باشد زیرا او انسان بوده نه روح.

پاسخ:

لفظ روح همانطور که در روح القدس استعمال میشود؛ همچنین در مطلق انسانی که دارای روح اعم از راستی و ضلالت میباشد نیز بکار میرود؛ و استعمال لفظ روح در معنای دوم در کتب عهدین زیاد است از باب نمونه: در نامه اول یوحنا چنین آمده است: ای محبوبان هر روح را باور ننمائید؛ بلکه ارواح را بیازمائید که آیا از خدا هست یا نه؛ زیرا پیامبران در غوغای زیاد در جهان پیدا شده اند؛ و از اینجا می شناسیم روح خدا را؛ هر روحی که به عیسای مسیح مجسم شده، از خدا است؛ و هر روحی که عیسای مجسم شده را انکار کند از خدا نیست و همچنین است آن روح مخالف مسیح (دجال) که شنیده اید می آید و الا ان هم در جهانست؛ ما از خدا هستیم و هر که خدا را میشناسد؛ سخن ما را میشنود و آنکه از خدا نیست بما گوش نمیگیرد، روح حق و روح ضلالت را از این تمیز میدهیم (۱)

این جمله ها حاکی است که استعمال «روح» در غیر «روح القدس» شایع می باشد؛ و ذیل آیه صریحا می رساند که هر کس به حق و راستی دعوت کند؛ او روح حق است، و هر کس به ضلالت و گمراهی دعوت نماید او روح ضلالت میباشد.

بنابراین اگر به پیامبر موعود «روح حق و راستی» گفته شده است برای اینست که او مردم را به راستی و حقیقت دعوت خواهد نمود. و این نوع تعبیر در میان ملل جهان آنچنان زیاد است که با دقت؛ جای تردید برای کسی باقی نمی ماند.

پرسش دوم

حضرت مسیح فارقلیط را چنین معرفی کرده: جهان نمی تواند او را قبول کند، زیرا که او را نمی بیند و نمی شناسد در صورتی که هزاران نفر حضرت «محمد» را دیدند و شناختند؟

پاسخ:

مقصود از «دیدن» در اینجا معرفت و شناسائی بادیه دل است و هرگز چنین معرفتی از ناحیه مسیحیان درباره پیامبر اسلام انجام نگرفت و یک چنین استعمال در میان مردم حتی خود «عهدین» فراوان دیده میشود از باب نمونه:

از این جهت با اینها به امثال سخن میگویم که می نگرند و نمی بینند و شنوا هستند و نمی شنوند و نمی فهمند، و در حق ایشان تمام میشود نبوت اشعیا که میگوید: پیوسته خواهید شنید و نخواهید فهمید، نظر کرده خواهید نگریست و نخواهید دید (۲)

۱ - نخستین رساله یوحنا باب چهارم: ۱-۷ نقل از عهد جدید طبع لندن که در سال

۱۸۳۷ چاپ شده است.

۲ - انجیل متی باب ۱۳: ۱۳-۱۴

همچنین مقصود از «شناختند» معرفت و شناخت کامل است؛ و یک چنین «شناخت» کامل نسبت به پیامبر اسلام در سطح جهانی و عمومی صورت نپذیرفت و یک چنین استعمال در همه زبانها و خود اناجیل زیاد است مثلا: تصریح میکند که کسی پسر (مسیح) را جز خدا شناخت در صورتی که مسیحیان او را شناختند آنجا که میفرماید: غیر از پدر هیچکس پسر را نمی شناسد (۱)

به او گفتند پدر تو کجا است؛ عیسی جواب داد که نه مرا میشناسید، و نه پدر مرا گاه مرا میشناختید هر آینه پدر مرا نیز میشناختید (۲)

بنابراین منظور از اینکه جهان فارقلیط را نمی بیند یعنی حقیقت او را درک نمی کند و «نمیشناسد» یعنی معرفت کامل پیدا نمی کند.

پرسش سوم:

روی سخن حضرت مسیح در این وعدهها با حواریون است، در صورتی که حضرت محمد حدود ۶۰۰ سال بعد از حضرت مسیح به دعوت برخاست و در آن زمان کسی از حواریون باقی نمانده بود.

پاسخ:

طرف خطاب اگر چه حواریون بوده؛ ولی مقصود اصلی و واقعی از خطاب است حضرت عیسی می باشد.

و تمام مصلحان و سخنوران جهان در گفتار خود از این روش پیروی میکنند آنان اگر چه خطاب خود را متوجه حاضرین در جلسه سخن مینمایند، ولی در حقیقت خطاب متوجه عموم بشر و کسانی است که شایستگی پیروی از گفتار آنان را دارند و در خود انجیل این نوع خطاب زیاد است آنجا که میگوید:

و نیز شمارا میگویم بعد از این پسر انسان را خواهید دید که بردست راست قدرت نشسته برابرهای آسمانی می آید (۳)

در صورتی که همه آنکسانی که طرف خطاب حضرت مسیح بودند احدی از آنها این وضع را مشاهده نکرد بلکه بیش از هزار و نهمصد سال گذشته و کسی از پیروان حضرت مسیح این وضع را ندیده است.

۱ - متی ۱۱، ۲۷

۲ - انجیل یوحنا ۸: ۱۹.

۳ - انجیل متی باب ۲۶: ۶۴

نتیجه اینکه خطاب پیامبران و مصلحان و سخنوران عالیقدر، متوجه عموم بشر است ولو روی سخن در جلسه خطاب با چند نفر بیشتر نباشد.

پرسش چهارم

آخرین پرسش اینست که حضرت مسیح درباره فارقلیط چنین گفت: او نزد شما می ماند و در شما خواهد بود آیا حضرت محمد میتواند در شخصی بماند؟ نه، زیرا یک نفر می تواند با کسی باشد اما نمی تواند در کسی بماند.

پاسخ:

منظور از اینکه در شما می ماند، یعنی آئین او برای ابد در میان شما می ماند، و آئین او منسوخ نمی گردد و هرگز این نوع شبهات کودکانه نمی تواند از ظهور آیات درباره پیامبر موعود با در نظر گرفتن آنهمه قرائن، بکاهد.

* * *

مرحوم فخر الاسلام که مدتها یکی از مبلغان ورزیده مسیحیان بود، در باره عوامل گرایش خود به اسلام، مطلب قابل توجهی را نقل میکند، و ما خلاصه گفتار او را در شماره آینده می آوریم.

بقیه از صفحه ۲

عید و شادمانی برای اینکه در چنین روزی قائد عظیم الشان اسلام بهترین و لایقترین فرد مسلمان یعنی امیر مؤمنان (ع) را بعنوان زمامدار آینده مسلمین به شخصیت های بزرگ اسلامی آنروز معرفی نمود.

پیامبر بزرگ اسلام در حقیقت بسامعرفی امیر المؤمنین (ع) بمقام جانشینی و خلافت بلافضل خود، در آن لحظه حساس و میان آن بیابان سوزان، مسلمانان را متوجه اهمیت وجود علی (ع) نمود تا جامعه اسلامی این روز تاریخی را هرگز فراموش نکنند و با تذکار چنین روز بزرگ و پرشکوه، سوابق درخشان و شایستگی رهبر بزرگ خود علی (ع) را همیشه در نظر داشته و با پیروی از راهنمایی های آن پیشوای عادل و معصوم و انسان برگزیده خدا، مجد و عظمت خود را حفظ کنند و از پراکندگی و تفرقه مصون بمانند.

مانیز این دو عید بزرگ اسلامی را بعموم مسلمانان جهان تبریک گفته، اتحاد و برادری بیشتر آنها را از خداوند بزرگ مسئلت داریم.